



نمادهای رفتارهای ورزشی در شاهنامه

بهرام بهرامی پور

دبیر ورزش و دانشجوی دکترای دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی اهمیت نمادهای پهلوانی در ورزش از نگاه شاهنامه فردوسی مهم‌ترین کتاب ادبیات حماسی ایران است. در این تحقیق چند رفتار که جنبه سمبولیک و نمادین دارد مورد بررسی قرار گرفته است. حدود ۳/۴ گفتارهای شاهنامه که بالغ بر ۱۵ هزار بیت است به گفت‌وگوهای قهرمانان اختصاص دارد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از نمادهای رفتاری و پهلوانی در دوره تاریخی نسبت به دو دوره دیگر شاهنامه دارای تکرار بیشتری است. همچنین در بین نمادهای پهلوانی بروز نماد بخت و شانس با (۴۸ درصد) و سپس نماد نیایش با (۳۶ درصد) نشان از اهمیت این نمادها دارد و فراوانی نمادهای پهلوانی با فنون، بازی و ورزش‌ها در دوره‌های مختلف شاهنامه ارتباط مستقیم دارد. بنابراین این صفات بیشتر در پهلوانان عرصه ورزش و میدانی مبارزه نمود داشته است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که در ایران باستان وجود این ویژگی‌های رفتاری و صفات در شخصیت‌های رزمی، ملی و ورزشی از لحاظ اخلاقی، تربیتی، فلسفی و سیاسی نیز از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و امروزه نیز شاهد تجلی آن در صحنه‌های مختلف ورزشی هستیم.

کلیدواژه‌ها: نمادهای پهلوانی، ورزش، شاهنامه



مقدمه

شاهنامه فردوسی در حکم منبع فرهنگ ایرانی است و اطلاعات بسیار مهمی در زمینه‌های تاریخی به‌ویژه ورزش برای عرضه دارد اما با وجود این لازم است از تمام جوانب، این اثر بسیار گرانبها مورد کاوش دقیق قرار گیرد. بنابراین در این تحقیق تلاش شده است که با بررسی مفاهیم مختلف و مرتبط با تربیت‌بدنی از جمله رفتارها و کردارهای پهلوانان و قهرمانان با توجه به نگاه فردوسی، اهمیت و اولویت تکرار این رفتارها در ورزش امروزی مورد بررسی قرار گیرد. امروزه در ورزش حرفه‌ای می‌توان بخشی از این رفتارها و کردارهای ورزشکاران را با نمادهای پهلوانی در شاهنامه فردوسی مورد مقایسه قرار داد.

در این تحقیق پس از مرور نه جلد شاهنامه، برای ویژگی‌های نمادهای پهلوانی تعدادی کلیدواژه مهم شناسایی شد که فقط تعدادی از آن‌ها به موضوع تحقیق بستگی دارد (چهار صفت). از جمله این صفات می‌توان رجز، سخن گفتن با خداوند، گفت‌وگو با خود و وسایل رزمی، بخت یا اقبال و شانس و بوسیدن زمین را نام برد. در مجموع ۱۵ هزار بیت مربوط به سه دوره اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی یافت شد که این چند صفت در آن‌ها دیده می‌شود. پس از طبقه‌بندی صفات، داده‌ها از طریق آمار توصیفی (جداول و نمودارها) و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

اهمیت نمادهای پهلوانی

در شاهنامه می‌توان پندارها، گفتارها، کردارها (طبیعی و غیرطبیعی) و حتی منطق حاکم بر رفتارهای یک قهرمان را در زمان‌ها و مکان‌های خاصی مورد بررسی قرار داد و این به‌خاطر آن است که ۳/۴ گفتارهای شاهنامه به گفت‌وشنودهای قهرمانان اختصاص دارد که بخشی از آن در مورد پندارها و تصورات و گفتارهای ایرانیان و شاهان نسبت به قهرمانان و بخشی دیگر تصور پهلوانان از صفات و کردارهای خود است. این موضوع نشانگر ویژگی‌های مختلف شاهنامه است که علاوه بر جنبه رزمی، ملی و کین‌خواهی دارای جنبه‌های تربیتی، اخلاقی، سیاسی و فلسفی نیز هست که احتمالاً همه آن‌ها در زندگی یک پهلوان رعایت می‌شود و پهلوانان باید علاوه بر توانایی بدنی و رزمی از ادب، جوانمردی، معرفت، خرد، تواضع، میهن‌پرستی و غیره برخوردار باشند. در این تحقیق به بعضی ویژگی‌های این صفات از نگاه شاهنامه فردوسی اشاره شده است.

رجز: بخشی از گفت‌وشنود پهلوانان است که در آن

پهلوان توانایی‌های خویش، کین‌خواهی، یا ضعف حریف را بیان می‌کند. از جمله داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه از معروف‌ترین آن‌هاست که رجزهای زیادی دارد. لاف‌زنی را نیز می‌توان جزء رجزخوانی پهلوان به حساب آورد:

همانا شنیدستی آواز سام
نبد در زمانه چنو نیک‌نام
همی پهلوان بودم اندر جهان
یکی بود با آشکارم نهران
تن خویش بینی همی در جهان
نه آگه از کارهای نهران

گواژه: به معنی طعنه‌زدن یا نکوهیدن است که مانند رجز در گفت‌وشنود پهلوانان مورد استفاده قرار گرفته است. این سخنان حالت نیش‌دار، طنز و تمسخر دارد.

گواژه همی زد پس او فرود
که این نامور پهلوان را چه بود
که ایدون ستوه آمد از یک سوار
چگونه جهد در صف کارزار
وقتی اشکبوس نام رستم را می‌پرسد، وی چنین می‌گوید:

تہمتن چنین داد پاسخ که نام
چه پرسی کزین پس نبینی تو کام
مرا مادرم نام، مرگ تو کرد
زمانه مرا یتک ترک تو کرد

سخن گفتن با یزدان (نیایش) در زندگی پهلوانان قبل و بعد از نبرد وجود داشته است، مثلاً، رستم پس از رها شدن از چنگ اسفندیار به دعا برمی‌خیزد:

همی راند گز اندر کمان
سرخویش کرده سوی آسمان
همی گفت کای پاک دادار هور
فزاینده دانش و فرّ و زور
همی بینی این پاک جان را
تو آن مرا هم روان مرا
تو دانی که بیداد کوشد همی
همی جنگ و مردی فروشد همی
به باد آفره این گناهم مگیر
تویی آفریننده ماه و تیر

بنابراین نیایش و دعا در آغاز نامه، سخنان شاهان و یاری و خواست پهلوان از خداوند و در سایر موارد، متداول بوده است.

تو را تا بیاشم نیایش کنم
بدین نیکویی‌ها فرمایش کنم
بیامرز رفته گناه مرا
ز کزی بکش دستگاه مرا

در شاهنامه
می‌توان پندارها،
گفتارها، کردارها
(طبیعی و
غیرطبیعی)
و حتی منطق
حاکم بر
رفتارهای
یک قهرمان
را در زمان‌ها
و مکان‌های
خاصی مورد
بررسی قرار داد



نیایش و به گونه‌ای بوسیدن و سر به آستان ذات مقدس الوهیت فرود آوردن از دیگر آداب قهرمانان و پهلوانان شاهنامه است که رتبه دوم را در بین نمادهای رفتاری دارد

مرا بین و چندی خرد ده مرا
هم اندیشه نیک و بد ده مرا
نیایش بهرام چوبینه در جنگ با ساوه شاه:
بغلتید در پیش یزدان به خاک
همی گفت کای داور داد و پاک
گر این جنگ بیدار بینی همی
ز من ساوه شاه را برگزینی همی
دلیم را به رزم اندر آرام ده
به ایرانیان بر و را کام ده

سخن گفتن با خود در پهلوانان: به نوعی پندار و اندیشه
آنان را نشان می‌دهد. فردوسی با روشن کردن اندیشه و
پندار پهلوان، درون او را آشکار می‌سازد و این توجیه رفتار
و کردار بعدی اوست. فردوسی درد و دل سام را چنین
می‌سراید:

ز نخجیر کامد سوی خانه باز
به دلش اندر اندیشه آمد راز
و گر گویم آری و کامت رواست
بپرداز دل را بدانچت هواست

پهلوانان با سلاح و ابزار خود نیز سخن می‌گفتند و
در حقیقت به نوعی تمایلات و آرزوهای خود را مرور و
گوشزد می‌کردند. شاید سخن گفتن با ابزار به این علت
بود که به ابزار و وسایل رزمی خصلت جاننداری دهد و برای
پهلوان نیروبخش باشد.

چورستم سلیح نبردش بدید
سرافشاند و باد از جگر بر کشید
چنین گفت کار جوشن کارزار
بر آسودی از جنگ یک روزگار
کنون کار پیش آمدت سخت باش
به هر جای پیراهن بخت باش

عامل شانس و بخت و اقبال از عواملی است که پهلوان
آن را برای پیروزی در
جنگ و نبرد مؤثر می‌داند
و به طوری که می‌توان آن
را در کنار صفات جسمانی
و زورمندی برای پهلوان
لازم دانست.

برو آفرین کرد کای
نامور
بمردی و نیروی و بخت
و هنر
بماند بر تو چنین
جاودان
تن بیل و هوش و دل



موبدان

بدان ای سپهدار و آگاه باش
هر کار با بخت همراه باش

ولیکن بدین گفته پاسخ شنو
خرد یاد کن بخت را پیشبرد

بوسیدن آسمان و زمین: از آداب و نمادهای پهلوانی
است که در زمان‌های قبل و بعد از جنگ و یا احترام
عذرخواهی و غیره توسط پهلوانان و قهرمانان انجام
می‌گرفته است.

فرود آمد و خاک را داد بوس
خروش سپاه آمد و بوق و کوس

تهمتن زمین را ببوسید و گفت
که با من عنان و رکیت جفت

در شاهنامه فردوسی، سمبل‌ها و نمادهای زیادی
وجود دارد که به ۶ گروه، نمادها، کردارهای نمادین
طبیعی، مابعدالطبیعی، رویا، فال، معما و بازی تقسیم
شده است. در هر گروه نمادهایی به شکل اشیا وجود
دارد که برخی از آن‌ها مانند رخس، انگشتر، خنجر،
مهره، دست دادن، نان و نمک خوردن و غیره هستند
که جنبه جسمانی، رزمی و تربیتی دارند. در نمادهای
گروه ششم فقط داستان شطرنج وجود دارد که یک
بازی نمادین از صحنه کارزار است. در این صحنه هر
مهره نماینده یک مقام لشکری و رنگ سفید و سیاه
مهرها نیز نماد دشمنی و تضاد بین دو حاکم و یا دو
سپاه است.

در شاهنامه فردوسی، پندارها، گفتارها و کردارهای
زیادی از پهلوانان بیان شده است که فقط تعدادی
از آن‌ها به موضوع تحقیق بستگی داشت. اطلاعات
جدول (۱) نشان می‌دهد که از چهار نماد رفتاری، بخت
و شانس (۴۸ درصد)، نیایش (۳۶ درصد) و بوسیدن
زمین (۱۴ درصد) بیشتر استفاده شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی نمادهای پهلوانی در شاهنامه

درصد فراوانی	فراوانی	شاخص	
		نمادهای پهلوانی	گوازه
۲	۴	بخت و شانس	گوازه
۴۸	۱۲۵	بوسیدن زمین	بخت و شانس
۱۴	۳۷	نیایش	بوسیدن زمین
۳۶	۹۵		نیایش

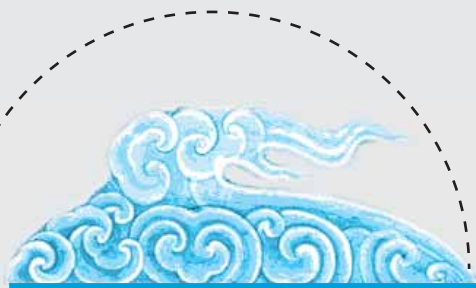
نمادهای رفتاری، با توجه به جدول (۲) در دوره تاریخی نسبت به دو دوره دیگر تاریخی بیشتر تکرار شده است. حدود ۴۰ درصد ابیات شاهنامه گزارش گفتارهای قهرمانان است که بیشترین سهم را اشعار مربوط به داستان رستم و اسفندیار دارد. اهمیت این گفتارها تا آن جایی است که اگر این گفتارها از داستانهای شاهنامه برداشته شود آن را بی‌ارزش خواهد ساخت.

جدول ۲. توزیع فراوانی نمادهای رفتاری در سه دوره شاهنامه

دوره‌های تاریخی	نمادهای رفتاری	
	فراوانی	درصد فراوانی
اسطوره‌ای	۲۵	۱۰
پهلوانی	۹۹	۳۸
تاریخی	۱۳۷	۵۲
جمع	۲۶۱	۱۰۰

بحث و بررسی

در توضیح نمادهای رفتاری، فردوسی با تحلیل این گفتارها، راز و رمزا و درون‌مایه‌ها، تمامیت معنوی پهلوانان را به مخاطب می‌شناساند. رجز، یکی از گفتارهای ویژه ادبیات حماسی است و کلا در خودستایی پهلوانان و بیان کارها و افتخارات آنان و برای ایجاد نوعی جنگ روانی به‌خاطر بالا بردن روحیه خود و همراهان و تنزل روحیه طرف مقابل به کار می‌رفت. اما در شرایط و موقعیت‌های دیگری نیز از آن استفاده می‌شود. از لحاظ مفهومی رجز خوانی‌های زیادی در شاهنامه وجود دارد، ولی از لحاظ لغوی اشاره‌ای به رجز در شاهنامه نشده است. امروزه شکل تغییر یافته رجز به‌صورت کُرگری‌های ورزشی و همچنین در مطبوعات به‌صورت مصاحبه‌های جنجال‌برانگیز دیده می‌شود. با خود صحبت کردن قهرمانان، یکی از شگردهای بزرگ فردوسی درون‌کاوی قهرمانان از طریق بازگفت اندیشه‌های آنان در داستان است که باعث روشن شدن تصویر مبهم ذهنیت پنهان قهرمان شده و به بررسی جوانب مختلف کردار پهلوان می‌پردازد که در زبان و ادبیات فارسی به منولوگ تعبیر می‌شود و در رشته تربیت‌بدنی به «self talk» تغییر می‌یابد و امروزه شاخه یادگیری حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، روش‌های جدید خود تلقینی، تمرین ذهنی، مرور ذهنی گویای این اصل مهم است.



بوسیدن، نیایش و به‌گونه‌ای بوسیدن و سر به آستان ذات مقدس الوهیت فرود آوردن از دیگر آداب قهرمانان و پهلوانان شاهنامه است که رتبه دوم را در بین نمادهای رفتاری دارد. بالغ بر هزار بیت شاهنامه، ویژه این‌گونه رفتارهاست که در بیشتر حوادث و زندگی اجتماعی پهلوانان مشاهده می‌شود که با آن همه توانایی و دانایی، باز هم در هنگام مشکلات و گرفتاری، خدا را شاهد کردار خویش داشته و یاری او را طلب کرده، جزو اولویت رفتارهای خویش قرار می‌دهند. نمونه بسیار زیبایی این‌گونه رفتارها در داستان رستم و اسفندیار به چشم می‌خورد. به‌نظر می‌رسد رسم بوسیدن زمین مسابقه و رقابت جوانمردانه در بین ورزشکاران ایرانی حاصل تأثیر همین رفتار پهلوانی باشد.

بخت و اقبال (شانس)، از دیگر نمادهای رفتاری است که ضلع سوم مثلث داستان‌های شاهنامه را تشکیل می‌دهد و ضلع اول آن یعنی حس بخشش در قهرمانان و ضلع دوم آن را که کوشش قهرمان برای رستن از مدار خویش است به هم وصل می‌کند. شاهنامه نشان می‌دهد که تمام کوشش آدمی در این کره خاکی برای از قوه به فعل درآمدن اراده کیانی و الهی است. در رویدادهای ورزشی نیز عامل شانس و اقبال یکی از عوامل اصلی و تعیین‌کننده رقابت است. موضوعی که باید در هنگام تجزیه و تحلیل کلیه رویدادهای نتیجه‌گرا، با توجه به تلاش ورزشکار، تلاش حریف و سایر شرایط موقعیتی در نظر گرفته شود.

بوق و کرنا در جنگ، نماد شروع و آغاز مبارزه‌ای بزرگ برای رسیدن به هدف بزرگ است که جنبه روانی، رزمی و پهلوانی دارد. این شکل از ابزار نبرد در حال حاضر در ورزش باستانی، به‌صورت نواختن تنبک و طبل و در ورزش‌های مدرن امروزه و از جمله ورزش‌های همگانی و بدنسازی و غیره به‌صورت موسیقی و آهنگ است.

**پهلوانان
باید علاوه بر
توانایی بدنی و
رزمی از ادب،
جوانمردی،
معرفت،
خرد، تواضع،
میهن‌پرستی و
غیره‌بر خوردار
باشند**

منابع

۱. بهرامی پور، بهرام. «بررسی فرهنگ تربیت‌بدنی و ورزش در شاهنامه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان. ۱۳۸۴.
۲. سرامی، قدمعلی. «از رنگ گل تا رنج خار، شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه». نشر علمی فرهنگی، چاپ اول. ۱۳۶۸.
۳. فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه، به‌اهتمام من. عثمانوف. انتشارات دانش، چاپ مسکو. جلد ۱-۹. ۷۰-۱۹۶۵.